وصیتنامه بسیجی شهید حسن ترکاشوند

پیروی از شهدا با شعار نمی شود؛ این راه مرد میدان می خواهد

بسم الله الرحمن الرحیم

تُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَتُجَاهِدُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ

ایمان آورید به خدا و رسولش و جهاد کنید در راه خدا با مالهایتان و نفسهاتان. آن بهتر است از برای شما اگر آگاهید و میدانید.

باسلام به حضرت حجت ابن الحسن امام زمان (عج) و نایب بر حقش حضرت امام امت پیر جماران و قلب پر خروش امت حزب ا... . سلام بر تمامی شهدای عزیز اسلام بالاخص حضرت اباعبدالله الحسین(ع) مظلوم کربلا. سلام بر شهدای عزیز میهن اسلامیمان که مردانه خون خویش را نثار درخت پر بر کت اسلام کردند و سوختند تا دیگران نسوزند و سلام بر تمامی شهدای عزیز روستایمان بخصوص شهدای گمنام و مفقود الجسد که باعث تحول در قلوب ما شدند و به ما یاد دادند که چگونه باید به میدان رفت و مردانه و شجاعانه در این طریق قدم نهاد.

چند کلمه ای را به عنوان وصیت به حضور عزیزان و شنودگان روی این صفحه سفید می نگارم. من بر اساس وظیفه شرعی خود در این راه قدم نهادم و برایم کاملاً روشن و واضح است که این راه، راه حسین ابن علی سرور شهیدان کربلا بزرگ پرچمدار عاشور است و هیچ شکی در حقانیت آن نیست.

من احساس کردم که باید در این راه قدم نهاد و به شهدا پیوست و راه شهدا را با شعار نمیشود عمل کرد. بلکه باید برخواست و آن را در میدان جنگ عملی کرد تا به دشمن کافر ثابت کنیم که ما هرگز دست از امام عزیز بر نخواهیم داشت و پرچم اسلام را تا پیروزی نهایی بر دست خواهیم گرفت تا ان شاء الله آن را بر کاخهای استکبار جهانی بخصوص کاخ صدام عفلقی به اهتزاز درآوریم.

از اهالی شهید پرور روستایمان عاجزانه تقاضا مندم که اگر کوچکترین ناراحتی از بنده حقیر معاصی دارند به بزرگواری خویش مرا ببخشد و نیز از برادران حزب الهی می خواهم که پشت امام و انقلاب را خالی نگذارند و سعی کنند با وحدت در بین روستا اخوت و برادری خود را حفظ نمایند.

از پدر و مادر مهربان و عزیزم تقاضامندم که اینجانب را ببخشند چون من نتوانستم حق شما را ادا کنم. امید است در این مورد این حقیر را عفو نمائید. پدرم شما هیچ ناراحت نباشید که بنده شهید شدم بلکه این را افتخار عظیم بدانید و بدانید که من از علی اکبر و علی اصغر حسین عزیز تر نیستم. خون من از خون اینها و شهیدان روستایمان رنگینتر نیست و هیچ ناراحت نباشید بلکه شاد و استوار باشید تا به دشمنان اسلام ثابت کنید که شما از دادن فرزندتان در راه اسلام هیچ ناراحتی ندارید بلکه شهادت در این راه را افتخار بدانید.

از همسر مهربانم نیز عاجزانه حلالیت می طلبم و امیدوارم که بنده را حلال نمایند تا ان شاء الله در آخر به اذن خدا شفیع بشوم و نیز از خواهرانم یک به یک تقاضای حلالیت می کنم و امید است که در شهادت برادرشان هیچ ناراحت نباشند و حجاب خود را کاملاً رعایت کنید و به صورت خود خراش نزنید زیرا باعث ناراحتی من می باشد بلکه از آنها این آرزو و امید را دارم که همانند زینب مقاوم و استوار باشند و حجاب اسلامی را حتماً حتماً رعایت نمایند.

از برادرم و کلیه اقوام و خویشان نیز تقاضای حلالیت دارم و امید است که در ادامه راه شهدا هیچ کوتاهی به خود راه ندهید و سعی کنید راه خونین شهدا را ادامه دهید.

والسلام

به امید پیروزی نهائی برای سپاهیان اسلام

برادر حقیر شما حسن ترکاشوند

12 شهریور 65 جنوب